

بصیرت از صفات شایسته و ستوده ای است که یک مسلمان در زندگی فردی و اجتماعی خویش باید از آن برخوردار باشد. در مبارزات و فعالیت های سیاسی و اجتماعی و موضع گیری ها جایگاه بصیرت روشن تر می گردد. بدون بصیرت، عبادات، مبارزات و جنگ انسان نیز نتیجه و ثمر مطلوب را ندارد و گاهی پس از سال ها عبادت و ریاضت و یا مبارزه با دشمن، انسان بی بصیرت در مسیر باطل و در برابر حق قرار می گیرد چنان که در تاریخ نمونه های فراوانی دیده می شود.

مکتب حیات بخش اسلام به ما می آموزد که در صحنه های زندگی، پیروی ها، حمایت ها، دوستی ها، دشمنی ها و موضع گیری ها براساس شناخت عمیق و بصیرت عمل نماییم و با یقین و اطمینان به درستی کار و حقانیت مسیر و شناخت خودی و بیگانه و حق و باطل گام برداریم.

چنان که برای حرکت از نقطه ای به نقطه دیگر چشم ظاهر لازم است تا در چاه نیفتیم و یا گرفتار راهزنان و دزدان نگردیم برای رسیدن به اهداف متعالی و سیر الی الله و حرکت در مسیر حق چشم بصیرت لازم است تا در دام باطل و شیاطین انس و جن نیفتیم. چه زیبا است تعبیر رهبر فرزانه انقلاب درباره بصیرت:

بصیرت قطب نمای حرکت صحیح در اوضاع اجتماعی پیچیده امروز است «به گونه ای که اگر کسی این قطب نما را نداشته باشد و نقشه خوانی را بلد نباشد ممکن است ناگهان خود را در محاصره دشمن ببیند اگر بصیرت نباشد انسان حتی با نیت خوب ممکن است گمراه شود و در راه بد قدم بگذارد.» (هفته نامه صبح صادق، شماره ۴۲۰۰، ۲۰ مهر ۱۳۸۸، ص ۲)

چنان که خوارج نهروان به علت نداشتن بصیرت در مقابل امیرمؤمنان علی علیه السلام ایستادند، با آن حضرت جنگیدند و ابن ملجم که از آنان بود، آن حضرت را به شهادت رساند سپاه عمرسعد با شعار «یا خَیْلَ اللَّهِ اَرکَبِی فَاَبْشِرِی بِالْجَنَّةِ» (ای سربازان خدا سوار شوید و بجنگید که بشارت بهشت باد بر شما!) با امام حسین علیه السلام جنگیدند و آن حضرت و فرزندان و برادران و یارانش را به شهادت رساندند و کودکان و زنان را به اسارت گرفتند. در زمان ما نیز برخی گروه ها و افراد در مقابل نظام اسلامی و ولی فقیه می ایستند و این نشان از نداشتن بصیرت سیاسی آنان است.

بصیرت در لغت به معنای دانایی، بینایی، آگاهی، هوشیاری، زیرکی، بینایی دل و یقین آمده است صاحب بصیرت کسی است که به واسطه نیروی نهانی و قوه قلبی (لغت نامه، علی اکبر دهخدا، ذیل عنوان بصیرت؛ اسماء وصفات خدا در قرآن، محمدباقر محقق، اول، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۷۲، ذیل عنوان بصیر)

که از آن به بصیرت تعبیر می شود حقایق را می شناسد و به کنه آن پی می برد

بصیرت از دیدگاه روایات و ادعیه به منزله چشم است برای دل، همان گونه که انسان با چشم ظاهر اشیا را می بیند به واسطه بصیرت به باطن و کنه اشیا و مسائل پی می برد. بنابراین بصر دیده ظاهر و بصیرت دیده باطن آدمی است .

عرفا برای دیده باطن نام هایی چون «دیده دل»، «چشم خرد»، «چشم عقل» و به تعبیر حافظ «دیده جان بین» در برابر چشم جهان بین آورده اند و بر این باورند که دریافت باطن - حقیقت - را دیده جان بین باید؛ چنانکه حافظ گوید:

دیدن روی تو را دیده جان بین باید

این کجا مرتبه چشم جهان بین من است

پیامبر اسلام صلی الله وعلیه وآله برای قلب انسان دو دیده چون دو چشم ظاهری برای جسد دانسته و می فرماید:

مَا مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَ لِقَابِهِ عَيْنَانِ، هُمَا غَيْبٌ يَنْظُرُ بِهِمَا الْغَيْبُ فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ تَعَالَى بَعْدَ خَيْرًا فَتَحَّ عَيْنِي قَلْبِهِ فَيَرَى مَا هُوَ غَائِبٌ مِنْ بَصَرِهِ (جامع الاسرار و منبع الانوار، سیدحیدر آملی، انستیتو ایران و فرانسه، تهران ۱۳۴۷، ص ۵۸۱)

دل هر بنده ای را دو دیده نهانی است که به واسطه آن دو دیده غیب را می نگرد اگر خداوند بخواهد در حق بنده ای نیکی کند دو چشم دلش را می گشاید تا بواسطه آن آنچه را که از دیدگان ظاهریش نهان است بتواند ببیند.

و نیز آن حضرت می فرماید :

إِنَّ لِلْقَلْبِ عَيْنَيْنِ كَمَا لِلْجَسَدِ، فَيَرَى الظَّاهِرُ بِالْعَيْنِ الظَّاهِرَةَ وَ يَرَى البَاطِنُ وَ الحَقَائِقُ بِعَيْنِ الحَقِّ الَّتِي فِي البَاطِنَةِ (همان)

برای دل همانند جسم دو چشم است. ظاهر را با چشم ظاهری و باطن و حقایق را با چشم حق که در درون اوست دیده می شود.

۲- بصیرت یا نور حق

بصیرت وابسته به نور حق است. همان گونه که با نور ظاهری چون خورشید، ماه و چراغ، چشم ظاهری می تواند ببیند با نور حق چشم باطنی انسان می تواند به حقایق امور پی ببرد امام سجادعلیه السلام به خدا عرض می کند:

وَ بِنُورِكَ اهْتَدَيْنَا (مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، دعای ابوحمزه ثمالی)

ای خدا به نور خودت ما را هدایت فرمودی .

و پیامبر اسلام از خدا طلب چنین نوری برای قلب و سایر اعضا و جوارحش می نماید تا سراپای وجودش نور گردد و به حقایق پی ببرد:

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي نُورًا فِي قَلْبِي وَ نُورًا فِي سَمْعِي وَ نُورًا فِي بَصَرِي وَ نُورًا فِي لِحْمِي وَ نُورًا فِي دَمِي وَ نُورًا فِي عِظَامِي وَ نُورًا مِنْ بَيْنَ يَدَيَّ وَ نُورًا فِي خَلْفِي وَ نُورًا عَنْ يَمِينِي وَ نُورًا عَنْ شِمَالِي وَ نُورًا مِنْ فَوْقِي وَ نُورًا مِنْ تَحْتِي. اَللَّهُمَّ زِدْنِي نُورًا وَ اَعْطِنِي نُورًا وَ اجْعَلْنِي نُورًا بِحَقِّ حَقِّكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (جامع الاسرار و منبع الانوار، ص ۵۸۰)

خدایا در قلب، گوش، چشم، گوشت، خون، استخوان و پیش و پس و راست و چپ و بالا و پایین من نور قرار بده! نور مرا زیاد فرما و به من نور عطا کن و مرا نور بگردان به حق خودت ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

بدون دیده باطن که از نور حق تجلی می گیرد، دیده ظاهر کارساز نیست و سودی برای هدایت فرد ندارد گرچه به ظاهر همه چیز را می بیند ولی این دیدن، ثمربخش نخواهد بود، چنان که حضرت علی علیه السلام می فرماید:

نَظَرُ الْبَصَرِ لَا يَجْرِي إِذَا عَمِيَتْ الْبَصِيرَةُ (میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، درم، انتشارات مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، قم، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۵۰۴، ح ۱۷۳۰، به نقل از غررالحکم، ص ۹۹۷۲)

هرگاه دیده بصیرت کور باشد نگاه چشم سودی ندهد

کسی که بصیرت ندارد، داوری وی نیز درست نمی باشد. آن حضرت می فرماید :

فَأَقِمْ الْبَصَرَ فَاسِدُ النَّظَرِ (میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۰۴، ح ۱۷۳۱)

آن کس که بصیرت و بینش را از دست دهد، نظرش هم نادرست و بی ارزش است .

با پرتوافکنی نور حق، که همان عنایت الهی است انسان به بصیرت می رسد و به حقایق امور پی می برد پس نور حق سرمه چشم بصیرت است و تمام تلاش اهل مجاهده برای آن است که مورد عنایت حق قرار بگیرند و نور حق بر دل و جانسان پرتوافکن گردد. حافظ می گوید:

گر نور عشق حق به دل و جانانت اوفتد

بالله كز آفتاب فلک خوب تر شوی

اگر انسان به این مرحله برسد که نور حق در قلبش تجلی کند سراسر وجودش نور می گردد و با آن از حیرت و سرگردانی بدر می آید و حتی دیگران را از حیرت و سرگردانی نجات می دهد و هدایت می نماید در زیارت امام زمان(عج) آمده است :

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدِي بِهِ الْمُهْتَدُونَ وَ يَفْرَجُ بِهِ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ (مفاتیح الجنان، زیارت روز جمعه امام زمان) سلام بر تو ای نور خدا که به این نور اهل هدایت به حق هدایت می شوند و با این نور گشایش (از مشکلات) برای مؤمنان حاصل می شود.

### ۳- بصیرت دینی

راه دین و دینداری راهی است که با بصیرت و بینایی پیموده می شود و دعوت پیام آوران الهی بر مبنای بصیرت و بینایی بوده است و آنان هرگز مردم را به پیروی کورکورانه و اطاعت غیرحکیمانه فرانخوانده اند پیامبر اسلام صلی الله وعلیه وآله نیز که خاتم پیام آوران است به دین داری و خداجویی با بصیرت تأکید داشت آن گاه که شخصی از آن حضرت پرسید، مردم را به چه چیز دعوت می کنی؟ فرمود:

أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي (یوسف: ۱۰۸) (بحارالانوار، علامه مجلسی، دوم، مؤسسه وفاء، بیروت ۱۴۰۳ ق، ج ۷۷، ص ۱۴۷)

من و پیروانم با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می کنیم .

پیامبر اسلام با استناد به این آیه خط مشی خود و پیروانش را چنین ترسیم کرد که من همگان را به سوی خدای یکتا دعوت می کنم و این طریق را از روی تقلید و بی بصیرتی نمی پیمایم، بلکه از روی آگاهی و بصیرت، همه مردم جهان را به سوی این راه می خوانم. این سخن پیامبر صلی الله وعلیه وآله نشان می دهد که علاوه بر آن که رهبر دینی باید دارای بصیرت و بینایی کافی باشد، پیروان او نیز باید چنین باشند، تا بتوانند مردم را به سوی حق دعوت نمایند.

در جمله ای از دعای منقول از حضرت علی علیه السلام درخواست بصیرت در دین از خداوند شده است

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلِ النُّورَ فِي بَصَرِي وَ الْبَصِيرَةَ فِي دِينِي (مفاتیح الجنان، دعای تعقیب نماز صبح)

بار خدایا من از تو خواستارم به حق محمد و آل محمد بر خودت، بر محمد و آل محمد رحمت فرست و در چشمم نور و در دینم بصیرت قرار ده.

اگر کسی از بینش و بصیرت دینی برخوردار شد، همه حرکت‌ها و اقداماتش ارزشمند و ثمربخش خواهد شد و خود و کسانی که از او پیروی کنند به سر منزل مقصود خواهند رسید از این رو حضرات معصومین علیه السلام با وجود آن که اهل بصیرت بودند از خداوند درخواست عمل و حرکت با بصیرت بیشتر را می نمودند تا هم خود و هم دیگران را بتوانند به مقصود و هدفی که خداوند آنها را برای آن آفریده نائل نمایند امام حسین علیه السلام در قنوت نمازش چنین بصیرتی را درخواست می نماید :

خدایا حرکت‌م را براساس بینایی و راهم را با هدایت و روش و طریقه ام را قرین رشد و تعالی قرار ده، تا مرا به مقصد نایل گردانی و دیگران را به وسیله من به مقصد برسانی و مرا در آنچه تو خواهان آنی و به جهت آن مرا آفریده ای و بدان سوی پناه داده ای وارد نمایی. (نهج الدعوات، سید ابن طاووس، چاپ سنگی، تهران ۱۳۳۰، ص ۵۹)

آن حضرت در دعایی دیگر نیز از خداوند چنین طلب بصیرت می نماید :

فَكُنْ أَنْتَ النَّصِيرَ لِي حَتَّى تَنْصُرَنِي وَ تُبَصِّرَنِي

خدایا تو یاریم کن تا پیروز گردم و بصیرت یابم (موسوعه کلمات الامام الحسین، اول، معهد تحقیقات باقرالعلوم، قم، ۱۳۷۳، ص ۸۰۵)

نظام دینی، نظام مبتنی بر بینایی و بصیرت و دعوت آن، دعوت به بصیرت و حکمت است و هیچ چیز چون کوری و کوردلی آدمی را از حقیقت هستی دور نمی سازد و به گنداب بندگی غیر خدا نمی کشاند.

آدمی از بی بصری بندگی آدم کرد

گوهری داشت ولی نفس قباد و جم کرد

یعنی در خوی غلامی ز سگان خوارتر است

من ندیدم که سگی پیش سگی سر خم کرد (کلیات اقبال لاهوری، ص ۲۳۹)

از دیدگاه امام صادق علیه السلام شناخت و معرفت دینی دو نوع است؛ شناخت و معرفتی همراه با بصیرت و شناخت و معرفتی بدون بصیرت .

شناخت و معرفتی که با بصیرت باشد، شناخت باطنی و عمیق قلمداد شده و شناخت و معرفتی که بدون بصیرت باشد، شناخت و معرفت ظاهری دانسته شده است که با چنین شناختی به حق معرفت خدا و به ثواب و

پاداش کسانی که معرفت با بصیرت دارند نمی توان رسید. اگر معرفت دینی با بصیرت کامل همراه

نباشد (بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۲۴، ص ۲۹۰)

ممکن است همان گونه که شخصی بدون بصیرت دین دار شده روزی هم دست از دین بردارد بنابراین امام صادق علیه السلام از خداوند معرفت ثابت همراه با بصیرت را خواهان است :

رَزَقَنَا اللَّهُ وَ إِيَّاكَ مَعْرِفَةً ثَابِتَةً عَلَيَّ بِصِيرَةٍ (همان، ص ۲۹۰ - ۲۹۱)

خداوند به ما و شما معرفت ثابت با بصیرت عنایت فرماید:

امام سجاده علیه السلام نیز از خداوند می خواهد :

اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بِصِيرَةً فِي دِينِكَ وَ فَهْمًا فِي حُكْمِكَ !

بار الها به من بصیرت در دینم و فهم در حکمت عطا فرما !

#### ۴- اهل بصیرت و یاری خدا و رسول و اولی الامر

کسانی که اهل بصیرتند همواره به یاری خدا و رسول و ولی او می شتابند آنها با هر وسیله ای که اقتضا کند طبق شرایط زمان و مکان یاوران راستین خدا و رسول خدا و ولی خدا هستند و این یاری بدون هیچ چشم داشت و طمع، بلکه با یقین کامل به حقانیت خدا و رسولش و تنها به جهت رضایت خداوند و قرب به او می باشد. پیامبر اسلام صلی الله و علیه و آله بصیرت را از ویژگی های حواریون حضرت عیسی علیه السلام برمی شمارد:

حواری عیسی علیه السلام از برگزیدگان و بهترین ها بودند و آنها دوازده نفر مجرد بودند که در یاری خدا و رسولش پیشی می گرفتند. در آنها خود بزرگ بینی و سستی و شک دیده نمی شد. آنها عیسی علیه السلام را با بصیرت و عمق وجود و جدیت و سختی یاری می کردند.

در پایان همین کلام از پیامبر صلی الله و علیه و آله سؤال می شود حواریون شما چه کسانی هستند، ایشان می فرماید :

امامان پس از من دوازده نفرند از صلب علی و فاطمه علیهما السلام آنها حواریون و یاران دین من هستند، بر آنها از خدا تحیت و سلام باد! (همان، ج ۳۶، ص ۳۰۹)

همان گونه که حواریون حضرت عیسی علیه السلام در یاری خدا و رسولش و دین او از بصیرت کامل برخوردار بودند امامان پس از پیامبر صلی الله و علیه و آله نیز که به منزله حواریون آن حضرتند با بصیرتی کامل تر از حواریون عیسی علیه السلام به یاری خدا و رسول و دینش پرداختند و در این راه جان خویش را نثار نمودند یاران امام حسین علیه السلام نیز رهونه هایی والا از دست یافتگان به بصیرت و بیداردلی در حمایت از امام خویش بودند. امام صادق علیه السلام درباره بصیرت عمیق حضرت عباس علیه السلام می فرماید:

كَانَ عَمَّنَا الْعَبَّاسُ بْنُ عَلِيٍّ نَافِذَ الْبَصِيرَةِ صُلْبَ الْإِيمَانِ؛ جَاهِدَ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أُبْلِيَ بِلَاءً حَسَنًا وَ مَضَى شَهِيدًا (اعيان الشيعة، سيد محسن امینی عاملی، دارالتصرف، بیروت، ج ۷، ص ۴۳۰)

عموی ما عباس بن علی علیه السلام دارای بصیرتی عمیق و ایمانی راسخ بود؛ او در کنار ابی عبدالله علیه السلام جهاد نمود و از آزمایش نیکو بیرون آمد و به شهادت نایل گردید.

تعبیر «نافذ البصیره» شاخصه برجسته حضرت عباس علیه السلام است که به بینشی عمیق دست یافته بود و بر همه امور زندگی اش بصیرت حاکم بود. در زیارتنامه آن حضرت - که از امام صادق علیه السلام نقل شده - می خوانیم :

گواهی می دهم که تو - در احیای دین - هیچ سستی و کوتاهی نکردی و در کار خود با بینایی و بیداردلی در اقتدا به صالحان و پیروی از پیامبران عمل نمودی و از جهان درگذشتی. (مفاتیح الجنان، زیارت حضرت عباس)

آری بصیرت حضرت عباس علیه السلام بود که دوبار برایش امان نامه آوردند ولی حاضر نشد امام خویش را تنها بگذارد و خود جان سالم بدر برد. زندگی و مرگ آن حضرت پرچمی است فرا راه آنان که می خواهند براساس بصیرت و بینایی و بیداردلی زندگی کنند، حرکت نمایند و مرگی شایسته و عزتمند داشته باشند.

آری حامیان حریم ولایت کسانی هستند که حمایت و یاری آنها از خدا و رسولش و ولی امر با بصیرت و بینایی تمام است چنان که حضرت علی علیه السلام در توصیف رزمندگان اسلام می فرماید:

حَمَلُوا بَصَائِرَهُمْ عَلَى أَسْيَافِهِمْ (بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۸۷)

بصیرت های خویش را به شمشیرهایشان سوار کردند.

## ۵- راه های کسب بصیرت

از دیدگاه روایات راه های متعددی برای کسب بصیرت و رسیدن به بینایی عمیق و استوار وجود دارد که به اختصار به مهم ترین آنها اشاره می شود:

### ۵- یاد خدا

یکی از راه های کسب بصیرت، یاد و ذکر خدای بزرگ است؛ خدایی که حاضر و ناظر بر همه اعمال، گفتار و پندار ماست و هیچ چیز از دید او پنهان نیست و به حساب همه اعمال انسان از ریز و درشت رسیدگی خواهد کرد. امام علی علیه السلام یکی از ثمرات یاد خدا را بصیرت می داند:

مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ اسْتَبْصَرَ (میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۸۴۸، ح ۶۴۱۲)

هر کس به یاد خدا باشد بینش و بصیرت یابد.

و در جای دیگر می فرماید :

الذِّكْرُ هِدَايَةُ الْعُقُولِ وَ تَبْصِيرَةُ النَّفُوسِ (همان، ح ۶۴۰۷)

یاد خدا مایه هدایت خردها و بصیرت جان هاست .

و نیز می فرماید :

إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ جَعَلَ الذِّكْرَ جَلَاءً لِلْقُلُوبِ تَسْمَعُ بِهِ بَعْدَ الْوَقْرَةِ وَ تُبْصِرُ بِهِ بَعْدَ الْعَشْوَةِ وَ تَنْقَادُ بِهِ بَعْدَ الْمُعَانِدَةِ (همان، ح ۶۴۱۴)

خدای سبحان یاد خویش را صیقل دهنده دل ها قرار داده است، گوش های سنگین شده با یاد خدا شنوا می شوند و چشم های ضعیف شده به وسیله آن بصیرت می یابند و دل های معاند و ستیزه گر با آن رام می شوند

## ۵-۲ بهره گیری از قرآن

قرآن کریم خود نور است و برای نورانی کردن دل انسان و بینایی و بصیرت آن تأثیر بسیار شگرفی دارد امام علی علیه السلام در فراگیری قرآن به این نکته اشاره می فرماید:

تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ رَبِيعُ الْقُلُوبِ وَاسْتَشْفُوا بِنُورِهِ فَإِنَّهُ شِفَاءُ الصُّدُورِ (آثار الصادقین، صادق احسان بخش، ستاد برگزاری نماز جمعه، تهران، ۱۳۷۲، ج ۱۷، ص ۲۶۱، به نقل از غررالحکم، ج ۱، ص ۳۵۳)

قرآن را فراگیرید که بهار قلب ها است و از نورش درمان بگیرید که درمان درد سینه هاست .

امام حسن مجتبی علیه السلام درباره بصیرت افزایی قرآن می فرماید :

به راستی که در این قرآن، چراغ های روشنایی بخش و شفای سینه هاست پس، جلادهنده باید که به نور آن (دیده دل خویش را) جلا دهد و قلبش را بدان صفت لگام زند، زیرا که فکرکردن (در قرآن) مایه حیات دل شخص بصیر است، همچنان که آدمی در تاریکی ها، با کمک نور راه خود را می پیماید. (میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۴۸۱۰، ح ۱۶۴۳۸)

و پیامبر صلی الله و علیه و آله از خداوند طلب بصیرت به وسیله قرآن می نماید :

اللَّهُمَّ نُورَ بَيْتَابِكِ بَصْرِي وَ اشْرَحْ بِهِ صَدْرِي وَ فَرِّحْ بِهِ قَلْبِي وَ اطْلِقْ بِهِ لِسَانِي وَ اسْتَعْمِلْ بِهِ بَدَنِي وَ قَوِّنِي عَلَى ... .  
ذَلِكَ، فَإِنَّهُ لِأَحْوَالٍ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ (همان، ص ۴۸۱۶، ح ۱۶۴۷۷)

بار خدایا! دیده بصیرت مرا به کتابت روشن نما و به وسیله آن سینه ام را فراخ گردان و دلم را با آن شاد ساز و زبانم را به آن باز و گویا کن، بدنم را در راه آن به کار گیر و در این زمینه نیرویم بخش؛ زیرا که هیچ حرکت و قدرتی جز به وسیله تو نیست .

و در دعایی که آن حضرت به امام علی علیه السلام تعلیم می دهد نیز به بصیرت افزایی قرآن اشاره شده است.



بار خدایا! به وسیله کتابت دیده بصیرت مرا روشن گردان و سینه ام را فراخ ساز و زبانه را باز و گویا کن و پیکرم را در راه آن به کار گیر و در این باره با قرآن نیرویم بخش و بر آن کمکم فرما، که در این زمینه جز تو کسی کمک نکند. (همان، ص ۴۸۱۶، ج ۱۶۴۷۶)

### ۵-۳ پیروی از پیامبر صلی الله وعلیه وآله

پیامبران الهی به طور عام و پیامبر اسلام صلی الله وعلیه وآله به طور خاص موجب بصیرت انسان ها می باشند هر کس به آنها ایمان و راه و سنت آنها را در زندگی خویش به کار گیرد، بینا و دانا می گردد امام علی علیه السلام یکی از ویژگی های پیامبر صلی الله وعلیه وآله را آگاهی و بصیرت بخشی به انسان برمی شمارد:

فَهُوَ إِمَامٌ مِّنَ اتَّقَى وَ بَصِيرَةٌ مِّنِ اهْتَدَى (بحارالانوار، علامه مجلسی، دوم، مکتبه الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۷ ق، ج ۱۶، ص ۳۷۹)

پس او - پیامبر صلی الله وعلیه وآله - پیشوای کسی است که تقوا پیشه کند و بصیرت بخش کسی است که هدایت یابد.

و در زلوت پیامبر اعظم صلی الله وعلیه وآله می خوانیم :

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الْهَلَكَةِ وَ هَدَانَا بِكَ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ نَوَّرَنَا بِكَ مِنَ الظُّلْمَةِ (همان، چاپ بیروت، ج ۱۰۰، ص ۱۸۴)

حمد خدا را که ما را به وسیله تو از هلاکت نجات داد و از گمراهی به وسیله تو هدایت کرد و از تاریکی به وسیله تو نورانی نمود.

در حدیثی از امام علی علیه السلام آمده است کسی که به همه انبیای گذشته و کتاب های آنها و به پیامبر اسلام ایمان داشته باشد، دارای بصیرتی کامل در همه اوقات است ولی کسی که به انبیای گذشته ایمان داشته باشد ولی به پیامبر اسلام ایمان ندارد و یا به پیامبر اسلام صلی الله وعلیه وآله ایمان دارد ولی به انبیای گذشته ایمان ندارد صاحب بصیرتی کامل نمی باشد. (همان، ج ۴۰، ص ۲۸۳)

### ۵-۴ ولایت پذیری

همان گونه که ایمان به انبیای الهی موجب نورانیت دل و بصیرت انسان می گردد ولایت پذیری نیز موجب بصیرت انسان می گردد. چون بسیاری از حقایق را ما پ پ لاس ۰۰ نمی توانیم درک کنیم و به عمق آن پی ببریم ولی با اتصال به کسانی که دارای عقلی کامل و از علم و عصمت برخوردارند می توان حقایق را درک کرد و به آنها پی برد و در همه اوقات صاحب بصیرت گردید. امیرمؤمنان علی علیه السلام در پاسخ سؤال ابن کواء که پرسید: بصیر به شب و روز چه کسی است، فرمود:

مردی که ایمان به پیامبران و اوصیای گذشته و به کتاب های آسمانی و انبیاء داشته باشد و به خدا و پیامبر او محمدصلی الله وعلیه وآله ایمان بیاورد و به ولایت من اقرار کند، پس صاحب بصیرت در شب و روز (گذشته و حال) گردیده است. (همان، ج ۱۰، ص ۸۳ - ۸۴)

و در حدیثی دیگر آن حضرت می فرماید :

مَنْ أَقْرَبَ بَوْلَايَتِي فَقَدْ فَازَ وَمَنْ أَنْكَرَ وِلَايَتِي فَقَدْ خَابَ وَ خَسِرَ وَ هَوَى فِي النَّارِ وَ مَنْ دَخَلَ النَّارَ لَيْتَ أَحَقَابًا (همان)  
کسی که به ولایت من اقرار کند حقیقتاً رستگار شده است و کسی که ولایت مرا انکار کند گمراه و زیان دیده و داخل آتش شده و کسی که داخل آتش شود در آنجا برای مدت طولانی خواهد ماند.

در دعای روز غدیرخم به بصیرت یافتن مؤمنان به دلیل پذیرش ولایت حضرت علی علیه السلام اشاره شده است :

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَرَفَنَا فَضْلَ هَذَا الْيَوْمِ وَ بَصَّرَنَا حُرْمَتَهُ وَ كَرَّمَنَا بِهِ (مفاتیح الجنان، دعای روز عید غدیر)

شکر خدا را که به ما قدر و منزلت این روز را شناساند و به احترامش به ما بصیرت بخشید و بدان گرمی مان داشت .

بنابراین یکی از راه های رسیدن به بصیرت تمسک به ولایت اهل بیت علیه السلام است و هر کس به انوار پاک آنها مراجعه کند از تاریکی ها و ظلمت ها نجات می یابد و به بینایی و بیداری دست می یابد

## ۵-۵ عبرت گیری

حوادث تاریخی آثار گذشتگان اگر به چشم عبرت گیری مورد مطالعه قرار گیرد سبب بصیرت و بینایی انسان می گردد چون گاهی حوادث همگون و مشابه در دوران های مختلف پیش می آید که دانستن حوادث گذشته موجب بصیرت انسان می گردد تا انسان از تکرار آنها خودداری کند یا عملی شایسته و بایسته در مقابل آن انجام دهد. امام علی علیه السلام در این باره در چند سخن می فرماید:

أَوَلَيْسَ لَكُمْ فِي آثَارِ الْأَوَّلِينَ وَ فِي آبَائِكُمُ الْمَاضِينَ، مُعْتَبِرٌ وَ بَصِيرَةٌ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ (بحار الانوار، چاپ ایران، ج ۸۹، ص ۲۳۸)

آیا در آثارهای به جای مانده و در پدران گذشته تان عبرت و بصیرتی نیست اگر تعقل نمایید .

بِالِاسْتِبْصَارِ يَحْصُلُ الْإِعْتِبَارُ (میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۴۳۶، ح ۱۱۷۳۴)

با بصیرت است که عبرت آموختن حاصل می شود .

دَوَامُ الْإِعْتِبَارِ يُوَدِّي إِلَى الْإِسْتِبْصَارِ وَ يَثْمِرُ الْإِزْدِجَارَ (همان، ح ۱۱۷۷۷)

عبرت گرفتن مداوم به بصیرت می انجامد و خویشتنداری - از گناه و خطا - در پی می آورد  
فی کلِّ اعتبارٍ اِسْتَبْصَارٌ (شرح غررالحکم، آمدی، تنظیم سیدجلال الدین محدث، دانشگاه تهران، ج ۴، ص ۲۲؛ میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۴۳۶، ح ۱۱۷۷۹)

در هر عبرت گرفتنی بیناشدن است .

رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً تَفَكَّرَ فَاعْتَبَرَ وَاعْتَبَرَ فَأَبْصَرَ (میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۴۴۴، ح ۱۱۷۷۷)

رحمت خدا بر آن انسانی که بیندیشد و عبرت گیرد، و عبرت گیرد و بینا شود.

جمع بندی و نتیجه گیری

برای هر مسلمانی در حرکت ها و تلاش هایش به سوی حق، دیده باطن و چشم حق بین که از آن به عنوان بصیرت نام برده می شود لازم و ضروری است و گر نه ممکن است پس از سال ها مجاهده و تلاش و عبادت در دام شیاطین بیفتد و عاقبتی سوء داشته باشد. - از این رو علاوه بر آیات قرآن در روایات و ادعیه از داشتن و طلب بصیرت سخن گفته اند.

در شرایط و اوضاع و احوال سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بسیار پیچیده حاضر که راهزنان دام های فراوان با شکل های مختلف برای فریب مسلمانان گسترده اند تا آنها را از هویت خود ساقط نمایند، داشتن بصیرتی کامل در همه حرکت ها و موضع گیری ها لازم است. از این رو بر هر مسلمانی لازم است با مطالعه دقیق و تیزبینی لازم به بصیرت خویش بیفزاید تا در دام شیادان و فریب کاران نیفتد.

[www.hawzah.net/fa/Magazine/View/5415/7499/93652](http://www.hawzah.net/fa/Magazine/View/5415/7499/93652)